

## تأثیر توانمندی و تاب‌آوری بر موفقیت کارآفرینانه زنان روستایی منطقه سیستان

سعید کریمی<sup>۱\*</sup>، ساجده کریمی‌راد<sup>۲</sup> و حمید کریمی<sup>۳</sup>

(دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۲؛ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۴)

### چکیده

کسب و کارهای کوچک زنان روستایی کمک بزرگی به توسعه پایدار مناطق روستایی می‌کنند. ولیکن، موفقیت و دوام این کسب و کارها یک نگرانی بزرگ بوده است؛ بنابراین، شناخت عوامل مؤثر بر موفقیت این کسب و کارها بسیار مهم می‌باشد. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه دو منبع روان‌شناختی یعنی توانمندی و تاب‌آوری کارآفرینانه با موفقیت کارآفرینانه زنان کارآفرین روستایی بود. این پژوهش از نوع پژوهش‌های کاربردی است. جامعه آماری تحقیق زنان کارآفرین روستایی در منطقه سیستان بودند (N= ۱۵۴۶) که با استفاده از روش نمونه‌گیری غیر احتمالی در دسترس، ۲۵۰ نفر به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شد. روایی صوری پرسشنامه با بهره‌گیری از نظرات پانلی از متخصصان در زمینه کارآفرینی روستایی صورت گرفت و پایایی پرسشنامه نیز با محاسبه شاخص آلفای کرونباخ در حد مطلوب به دست آمد. نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان داد که توانمندی و تاب‌آوری کارآفرینانه رابطه مثبت و معنی‌داری با موفقیت کارآفرینانه زنان کارآفرین روستایی دارند. همچنین نتایج نشان داد که توانمندی کارآفرینانه به‌طور غیرمستقیم هم از طریق تاب‌آوری بر موفقیت کارآفرینانه‌ی زنان کارآفرین روستایی تأثیر مثبتی دارد؛ بنابراین، تقویت و توسعه منابع روان‌شناختی به‌ویژه توانمندی و تاب‌آوری کارآفرینانه در جهت بهبود موفقیت کارآفرینانه زنان کارآفرین روستایی پیشنهاد می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** توسعه روستایی، کارآفرینی روستایی، زنان روستایی، موفقیت کارآفرینانه، تاب‌آوری، توانمندی، منطقه سیستان.

<sup>۱</sup> دانشیار، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

<sup>۲</sup> دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

<sup>۳</sup> استادیار، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه زابل، زابل، ایران.

\* نویسنده مسئول، پست الکترونیک: skarimi@basu.ac.ir

زنان کارآفرین نقش مهمی در توسعه بخش کسب و کار کوچک و پیشبرد کارآفرینی در اقتصادهای در حال گذار، ایفاء می‌کنند (Ghose et al., 2021). شواهد در کشورهای در حال توسعه (Mathew, 2010; Ghose et al., 2017) و توسعه یافته (De-Rosa & McElwee, 2015) نشان می‌دهد که کارآفرینی زنان می‌تواند به محرک اساسی در زمینه‌ی توسعه و رشد اقتصادی جوامع تبدیل شود. کارآفرینی زنان در جهان به سرعت در حال رشد و گسترش می‌باشد (Patil & Deshpande, 2018). بر اساس گزارش دیده‌بان جهانی کارآفرینی (GEM) در سال ۲۰۲۰، حدود ۲۷۴ میلیون زن در سراسر جهان در راه‌اندازی کسب و کار مشارکت داشته، ۱۳۹ میلیون زن صاحب/مدیر کسب و کار تأسیس شده بوده و ۱۴۴ میلیون زن هم سرمایه‌گذار غیررسمی در سطح جهان بوده‌اند. بر اساس همین گزارش، کارآفرینی نوپای زنان بزرگسال (۱۸ تا ۶۴ سال) در ایران برابر ۵ درصد و کارآفرینی تثبیت شده زنان حدود ۶/۶ درصد است (Elam et al., 2021).

زنان نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند (مشایخی و همکاران، ۱۴۰۰)، این در حالی است که بر اساس آمار در ایران از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ مشارکت اقتصادی نیروی کار زنان از ۱۲ به ۱۶ درصد رسیده است که هرچند افزایشی بوده، اما در مقایسه با مردان (۴۰/۳ درصد) بسیار کم می‌باشد. همچنین آمارها نشان می‌دهد که در مناطق روستایی حدود ۶۰ درصد مردان و ۱۳/۴ درصد زنان در سن کار، شاغل هستند که بیانگر درصد بالای بیکاری در بین زنان روستایی است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۸). به عبارتی، نقش زنان در فرآیند توسعه عمدتاً مورد غفلت قرار گرفته است. به‌عنوان قشر آسیب‌پذیر جامعه، از برنامه‌های توسعه روستایی محروم و به‌طور نامرئی در تله‌ای از محرومیت و بی‌قدرتی گرفتار شده‌اند (کریمی و همکاران، ۱۳۹۷). یکی از رهیافت‌های اصلی برای کاهش بیکاری و در نتیجه افزایش اشتغال‌پذیری و مشارکت زنان روستایی، ترویج و توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه در میان آن‌هاست؛ به‌گونه‌ای که توجه به اقدامات و رفتارهای کارآفرینانه زنان روستایی می‌تواند گامی مثبت در جهت ارتقای نقش آنان در توسعه فعالیت‌های اقتصادی باشد (شیری و همکاران، ۱۴۰۰). زنان کارآفرین به‌ویژه در نواحی روستایی از طریق راه‌اندازی و مدیریت کسب و کارهای کوچک نقش مهمی در توسعه پایدار اجتماعی-اقتصادی، کاهش مهاجرت، اشتغال‌زایی و بهبود معیشت مردم روستایی ایفاء می‌کنند (منصوری و بقائی، ۱۴۰۰؛ Aggarwal & Johal, 2021). شواهد تجربی هم نشان می‌دهد که توسعه‌ی پایدار به‌ویژه در نواحی روستایی، به بهترین شکل می‌تواند از طریق بهبود فعالیت‌های کارآفرینانه و توسعه کسب و کارهای کوچک مقیاس، محقق گردد (طهماسبی و همکاران، ۱۳۹۹؛ Karimi & Reisi, 2022, 2023).

در سال‌های اخیر دولت برای توسعه توانمندی، اشتغال‌زایی و کارآفرینی روستایی اقداماتی را انجام داده است که یکی از ساختارهای بالقوه، صندوق‌های اعتبارات خرد زنان در مناطق روستایی و عشایری است. در هزاره‌ی سوم، صندوق‌های اعتبارات خرد، راهبردی مهم در توسعه به شمار می‌رود که هدف اصلی آن‌ها رفع فقر و توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی و ارتقای مشارکت افراد بی‌بضاعت در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌باشد که افزایش منزلت و اعتماد به نفس آن‌ها را در پی دارد (قدیری‌معصوم و احمدی، ۱۳۹۴). اعتبارات خرد زنان روستایی و عشایری دارای ساختار حلزونی‌شکل و قدرتمندی است که منجر به برآورده شدن اهداف برابری جنسیتی، توانمندسازی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و افزایش رفاه زنان روستایی و عشایری می‌شود (ولی‌زاده و کریمی، ۱۳۹۷). بر اساس آمار در سال ۱۳۹۵، ۲۱۰۰ صندوق با بیش از ۱۰۰ هزار عضو در زمینه ارائه خدمات مالی به زنان روستایی در کشور فعال بودند که این رقم در حال حاضر به بیش از ۴۲۰۰ صندوق رسیده است (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۴۰۱).

با توجه به نقش مهم زنان کارآفرین روستایی در توسعه اقتصادی-اجتماعی جامعه روستایی، بررسی عملکرد و موفقیت کسب و کارهای آنان دارای اهمیت بالایی است. علی‌رغم اهمیت این موضوع، محققان تاکنون کمتر به بررسی آن پرداخته‌اند. توانمندی کارآفرینانه یکی از عواملی است که می‌تواند موفقیت کسب و کارهای زنان کارآفرینان به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه را تحت تأثیر قرار دهد (Digan et al., 2019). توانمندی (Empowerment)، یک ارزش مثبت فراگیر در مطالعات روان‌شناسی اجتماعی است (Haji et al., 2022) که اشاره دارد به «ظرفیت افراد، گروه‌ها و/یا جوامع برای تحت کنترل گرفتن شرایط خود،

اعمال قدرت و دستیابی به اهداف خود و فرآیندی که به وسیله آن، آن‌ها قادر به کمک به خود و دیگران برای به حداکثر رساندن کیفیت زندگی‌شان هستند» (Adams, 2008). در این رابطه اسپریتزر (Spreitzer, 2008) بیان می‌کند افراد توانمند در موقعیت‌های مخاطره‌آمیز و عدم اطمینان به‌طور مستقل عمل می‌کنند، مشکلات را پیش‌بینی می‌کنند و زمانی که شرایط چالش‌برانگیز در کار بروز می‌کند، پشتکار و تدبیر نشان می‌دهند. همان‌طور که اشاره شد زنان کارآفرین روستایی در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران با موانع و مشکلات متعددی روبه‌رو هستند و برای اینکه بتوانند بر این موانع غلبه کنند، باید احساس کنند بر فعالیت‌های کارآفرینانه خود کنترل دارند، باور داشته باشند که تلاش آن‌ها به نتایج مطلوبی منجر خواهد شد و بر عملکرد شرکت تأثیرگذار هستند؛ به عبارت دیگر، باید دارای توانمندی کارآفرینانه باشند (Digan et al., 2019).

کارآفرینان و به‌ویژه زنان کارآفرین روستایی در کشورهای در حال توسعه برای بقاء و موفقیت کسب و کارهای خود که عمدتاً کوچک و خیلی کوچک هستند با مشکلات و موانع متعددی مانند کمبود منابع مالی یا عدم دسترسی مناسب به منابع اطلاعاتی رو به رو هستند. علاوه بر این، شوک‌های برون‌زا، مانند شوک‌هایی که در طول همه‌گیری کووید ۱۹ تجربه شد، فشار بیشتری را بر ظرفیت و قابلیت‌های کارآفرینان برای ایجاد و هدایت کسب و کارهای موفق وارد می‌کنند (Shepherd, 2020). یکی از عواملی که می‌تواند به کارآفرینان کمک کند تا کسب و کار خود را از این دشواری‌ها و بحران‌ها به سلامت عبور دهند و رشد و موفقیت کسب و کارشان را بهبود دهند، منابع روان‌شناختی آنان است (Frese & Gielnik, 2014). پژوهشگران مختلف برای درک بهتر نقش منابع روان‌شناختی و ویژگی‌های کارآفرینان در موفقیت کسب و کارهای کوچک آنان دعوت به بررسی بیشتر کرده‌اند (Nwankwo & Kanyangale, 2020; Prayag et al., 2020). محققان معتقدند که بقاء و موفقیت کسب و کارهای کوچک به روان‌شناسی مالکان آنان بستگی دارد (Doern, 2016; Karimi & Reisi, 2022; Prayag et al., 2020)، زیرا در این نوع کسب و کارها، مالکان کارآفرینانی هستند که نقش مهمی در تصمیم‌گیری، جهت‌گیری و عملکرد آن ایفاء می‌کنند (Cassia et al., 2014). یکی از این ویژگی‌های فردی و روان‌شناختی مهم، تاب‌آوری (Resilience) است که کمتر مورد بررسی قرار گرفته است (Lee & Wang, 2017; Shepherd et al., 2020; Salisu et al., 2020). تاب‌آوری فرآیند سازگاری پویا است که به کارآفرینان اجازه می‌دهد با وجود شرایط سخت بازار و زندگی و رویدادهای بی‌ثبات‌کننده که باید پیوسته با آن مواجه شوند، به آینده نگاه کنند؛ به عبارت دیگر، تاب‌آوری ظرفیتی است که یک کارآفرین برای سازگاری و غلبه بر شرایط خاص و دشوار دارد (Ayala & Manzano, 2014)؛ بنابراین می‌تواند نقش مهمی در بقاء و موفقیت زنان کارآفرین روستایی در کشورهای در حال توسعه ایفاء نماید. ادبیات موجود هم بر این فرض تأکید دارد که کارآفرینان تاب‌آور، شانس بیشتری برای بقاء دارند (Fiksel et al., 2015; Davidsson & Gordon, 2016). تاب‌آوری به علت اینکه به مقاومت فرد کارآفرین در برابر شوک‌های داخلی و خارجی کمک می‌کند، محرک عملکرد یا موفقیت کارآفرینی است (Fatoki, 2018).

در ادبیات کارآفرینی، بحث مستمری بر سر سنجش موفقیت کارآفرینانه وجود دارد. محققان پیشنهاد می‌کنند برای اندازه‌گیری موفقیت کارآفرینانه بهتر است هم از معیارهای مالی و سنجش عملکرد اقتصادی کسب و کار و هم از معیارهای غیرمالی استفاده گردد؛ زیرا این معیارها یکدیگر را تکمیل می‌کنند و موفقیت را با وضوح قدرت تبیین بیشتر توصیف می‌کنند (Murphy et al., 2007; Wiklund, 1999; Ahmad, 1996)؛ بنابراین، مطالعه حاضر موفقیت کارآفرینانه را با استفاده از شاخص‌های مالی و غیرمالی اندازه‌گیری می‌کند. شاخص‌های عملکرد اقتصادی شامل مواردی مانند رشد فروش، سودآوری یا برگشت سرمایه می‌شود (Perren, 1999, 2000; Staniewski & Awruk, 2019). این شاخص‌های عملکرد، معیارهای عینی هستند که نشان می‌دهد یک کارآفرین چگونه به‌طور مطلوب کسب و کار خود را اداره می‌کند. اگرچه معیارهای عینی عمدتاً ترجیح داده می‌شوند، محققان غالباً بر معیارهای ذهنی هم که به‌وسیله کارآفرینان گزارش می‌شوند، تکیه می‌کنند. به گفته وال و همکاران (Wall et al., 2004)، ممکن است جایگزین مناسبی وجود نداشته باشد. به‌عنوان مثال، بسیاری از کارآفرینان کوچک سوابق مالی لازم را نگه نمی‌دارند. داده‌های واقعی عملکرد اقتصادی همچنین می‌توانند بسیار حساس یا محرمانه باشند (Dawes, 1999). مطالعات نشان می‌دهند که معیارهای عینی عملکرد با معیارهای ذهنی آن همبستگی دارند (Dawes 1999; Fisher et al., 2014) و موفقیت کسب و کار ذهنی ریشه در

## تأثیر توانمندی و تاب‌آوری بر موفقیت کارآفرینانه زنان روستایی منطقه سیستان

عملکرد اقتصادی واقعی دارد (Dej, 2011) و یک پیش‌بینی‌کننده‌ی مهم تصمیمات کارآفرینان است (Gorgievski *et al.*, 2014). چنین ارزیابی از موفقیت به‌طور گسترده در تحقیقات کارآفرینی مورد استفاده قرار می‌گیرد (Gielnik & Frese, 2013; Wach *et al.*, 2019; Laguna & Razmus, 2019)؛ بنابراین، در پژوهش حاضر، با استفاده از معیارهای ذهنی، عملکرد اقتصادی کسب و کارها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

توانمندی را می‌توان به‌عنوان فرآیند داشتن توانایی کنترل چیزی تعریف کرد و به دو بعد منابع و ایدئولوژی تقسیم کرد. بخش اول در مورد کنترل منابع اعم از منابع مالی، فکری و ملموس است. بخش دیگر مربوط به کنترل بر باورها، نگرش‌ها و ارزش‌هاست. در مفهوم توانمندی زنان، تعاریف شامل درک درونی و توانایی بیان و همچنین دسترسی و در اختیار داشتن منابع مورد نیاز برای زنان می‌شود (Stromquist, 2015; Andrea, 2016).

توانمندی ابعاد مختلفی دارد که اکثر مطالعات در زمینه‌ی توانمندی زنان بر ابعاد اقتصادی آن تمرکز دارند، در صورتی که صاحب‌نظران معتقدند بعد روان‌شناختی اهمیت بیشتری دارد (کاظمی و همکاران، ۱۳۹۷؛ Osman & Tanner, 2017). به‌علاوه، در ایران در حوزه ابعاد روانی توانمندی مطالعات زیادی صورت نگرفته است (خدری و همکاران، ۱۳۹۹)؛ بنابراین، در این پژوهش، بر توانمندی روان‌شناختی و سه بعد شناختی آن یعنی شایستگی (Competence) (توانایی انجام یک عمل)، خودتعیین‌گری (Self-determination) (اقتدار و احساس آزادی عمل) و تأثیر (Impact) (توانایی اثرگذاری بر پیامدها) تمرکز دارد (Thomas & Velthouse, 1990). این ابعاد به افراد برای دستیابی به اهداف کاری خود کمک می‌کنند. دلیل تمرکز بر توانمندی روان‌شناختی آن است که مطالعات قبلی از بررسی توانمندی روان‌شناختی برای درک بهتر ادراکات و رفتارهای افراد در محیط‌های کاری حمایت می‌کنند (Gong *et al.*, 2020; Singh & Singh, 2019). توانمندی روان‌شناختی زنان می‌تواند خوداتکایی و خودشکوفایی را بهبود بخشد که آن‌ها را برای غلبه بر موانع اجتماعی-اقتصادی برخواهد انگیزد (Chakraborty & Biswal, 2022). کویسی (Kobeissi, 2010) به اهمیت توانمندی به‌عنوان عاملی حیاتی برای مطالعه بیشتر در زمینه کارآفرینی زنان تأکید دارد. به نظر می‌رسد که توانمندی به‌ویژه در موقعیت‌هایی مانند کارآفرینی که افراد نیاز به کار مستقل دارند، وجود پشتکار و امید ضروری است و افراد باید در درک موقعیت‌ها و تعیین مسیر مناسب فعال‌تر عمل کنند، اهمیت زیادی دارد (Henao-Zapata & Peiró, 2018).

شایستگی که ارتباط تنگاتنگی با خودکارآمدی دارد به باور فرد به توانایی خود برای انجام فعالیت‌ها همراه با مهارت‌ها اشاره دارد (Gist, 1987)؛ به عبارت دیگر، فرد بر این باور است که قابلیت‌ها و توانایی‌های لازم برای انجام موفقیت‌آمیز مسئولیت‌ها و وظایف را دارد (Spreitzer, 2008). بعد خودتعیین‌گری به ادراک فرد از خودمختاری (Autonomy) و کنترلی که بر تصمیمات و انجام کارهایش اشاره دارد. به عبارت دیگر، به آزادی عمل و استقلال افراد در تعیین فعالیت‌های لازم برای انجام وظایف اشاره دارد (Deci & Ryan 1987; Greenberger *et al.*, 1989). تأثیر هم به معنای ادراک فرد از میزان تأثیر خود بر پیامدهای مهم در محل کار یا شرکت خود می‌باشد (Laschinger *et al.*, 2001). در واقع احساس اثرگذاری یعنی درجه‌ای که یک فرد می‌تواند بر خروجی‌های راهبردی، مدیریتی یا عملکردی در فعالیت‌های روزانه خود اثر بگذارد (Spreitzer, 2008). افرادی که از نظر روان‌شناختی توانمند هستند، تصور می‌کنند که می‌توانند تغییر ایجاد نمایند و فعالیت‌های متفاوتی انجام دهند (O'Brien, 2010).

بر اساس تئوری انتظار (Expectancy theory: Lawler, 1973)، انگیزه درگیر شدن در یک کار مبتنی بر این باور است که تلاش‌های فردی فرد به سطح مطلوب عملکرد منجر می‌شود و عملکرد مورد انتظار منجر به نتایج مطلوب می‌شود؛ بنابراین، علاوه بر حداقل منابع اقتصادی و دانش مورد نیاز، تلاش‌های کارآفرینی زنان مستقیماً با شایستگی درک شده زنان برای انجام وظایف مرتبط با کسب و کار و تأثیری که او از تلاش‌های خود درک می‌کند، مرتبط است (Diang *et al.*, 2019).

هرچند که تحقیقات بسیار اندکی در رابطه با تأثیر توانمندی روان‌شناختی زنان بر فعالیت‌های کارآفرینانه‌ی آنان انجام شده است، اما بعضی تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که مؤلفه‌های توانمندسازی (خودتعیین‌گری، شایستگی و تأثیر) بر پیامدهای کارآفرینانه تأثیر مثبتی دارند (Miller *et al.*, 1982; Buttner & Moore, 1997; Bamiatzi *et al.*, 2015). بر اساس ادبیات کارآفرینی، خودتعیین‌گری یک عامل انگیزشی قوی در میان زنان کارآفرین است (Buttner & Moore 1997). در این زمینه، بنز و

فری (Benz & Frey 2008) بیان می‌کنند که خودتعیین‌گری «به خوداشتغال‌ها اجازه می‌دهد از آزادی انتخاب بیشتری برخوردار شوند، همچنین به آن‌ها اجازه می‌دهد تا وظایف کاری را که برایشان جالب‌تر است انتخاب کنند». شایستگی کارآفرینی عامل مهم رشد و موفقیت کسب و کار در نظر گرفته می‌شود (Mitchelmore & Rowley, 2010). مطالعات نشان می‌دهد که خودکارآمدی زنان و اعتقاد آن‌ها به توانایی خود در انجام کارها، بر موفقیت کسب و کار آن‌ها تأثیر می‌گذارد (Chatterjee et al., 2019). همچنین، این تصور که اقدامات فرد منجر به نتایج مطلوب می‌شود، نقش کلیدی در مشارکت تلاش‌های کارآفرینانه دارد (Lawler, 2002; Gatewood et al., 1973). دیگان و همکاران (Digan et al., 2019) در مطالعه خود در بین زنان کارآفرین هندی گزارش کردند که توانمندی زنان کارآفرین تأثیر مثبتی بر عملکرد کسب و کارهای آنان دارد. رنجبرفلاح (۱۳۹۷) هم در تحقیق خود گزارش دادند که توانمندی کارآفرینانه یکی از مهم‌ترین پیشران‌های توسعه‌ی کسب و کارهای بسیار کوچک در بخش مشاغل خانگی روستایی‌اند.

از سوی دیگر، تاب‌آوری، توانایی یک گروه یا جامعه برای مقابله با فشارهای خارجی و مداخلات خارجی ناشی از تغییرات اجتماعی، سیاسی و محیطی است. به عبارت دیگر، تاب‌آوری را می‌توان ظرفیت پویا برای ادامه دستیابی به اهداف به‌رغم وجود اختلالات و شوک‌ها تعریف کرد (کریمی و عطائی، ۱۴۰۰)؛ اما به‌طور کلی، محققان تاب‌آوری روان‌شناختی را از دو منظر مفهوم‌سازی می‌کنند (Robertson et al., 2015). مطابق دیدگاه اول، تاب‌آوری یک ویژگی شخصیتی پایدار فرد است که ظرفیت مدیریت موقعیت‌های نامطلوب را فراهم می‌کند (Jackson et al., 2007). دیدگاه دوم آن را حالتی می‌داند که فرد می‌تواند آن را توسعه دهد (King et al., 2016). شباهت اساسی در هر دو دیدگاه این است که افراد برای مقابله با واکنش‌های هیجانی نامطلوب آماده هستند (Athota et al., 2020). مطالعات نشان داده‌اند که افراد تاب‌آور می‌توانند پیامدهای پدیده‌های نامطلوب را کاهش دهند (Blackmon et al., 2017). با این حال، مطالعات تجربی کمتر به بررسی تاب‌آوری زنان کارآفرین روستایی و نقش آن در موفقیت کسب‌وکارهای کوچک آنان پرداخته‌اند.

بر اساس نظریه گسترش و ساخت (Broaden and Build Theory)، احساسات مثبت دیدگاه فرد را گسترش می‌دهد و فرد را از نظر شناختی انعطاف‌پذیر و تاب‌آور می‌سازد، ادراکات غنی‌تر را تسهیل می‌کند (Tugade & Fredrickson, 2004) و پیامدهای رفتاری سازنده ایجاد می‌کند (Isen, 2000). علاوه بر این، احساسات مثبت مجموعه منابعی را گسترش می‌دهند که به فرد کمک می‌کند تا به شیوه‌های سازگارتر رفتار کند (Lin et al., 2016). برعکس، احساسات منفی دیدگاه فرد را محدود می‌کند و به واکنش‌های خاص، کوتاه مدت و غریزی منجر می‌شود که برای افراد مضر است (Fredrickson, 1998). ارزیابی شناختی، صاحبان کسب و کار را با استفاده از مدل‌های ذهنی خود برای استفاده از فرصت‌ها و برداشتن گام‌های سازنده در ارزیابی محیط کسب‌وکار موجود، به‌ویژه در زمان‌های بحرانی مانند همه‌گیری، مجهز می‌کند (Chhatwani et al., 2022). افرادی که احساسات مثبتی مانند اشتیاق، هیجان و شادی را تجربه می‌کنند، احتمال بیشتری برای گسترش منابع خود برای غلبه بر موقعیت‌های دشوار دارند (Fredrickson, 1998). عاطفه مثبت به گسترش افق‌ها برای ارزیابی هر موقعیتی با دید باز کمک می‌کند و منجر به موفقیت در مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا می‌شود (Fredrickson & Branigan, 2005). افراد تاب‌آور احساسات مثبت خود را حفظ می‌کنند و در شرایط نامطلوب امیدوار می‌مانند (Mak et al., 2011). از این رو، افراد تاب‌آور در مقایسه با دیگران شانس بیشتری برای بقاء و موفقیت در شرایط نامطلوب دارند (Tugade & Fredrickson, 2004). زمانی که صاحبان تاب‌آور کسب و کارهای کوچک موقعیت‌های خارجی نامطلوب را به‌عنوان یک چالش درک کنند، در هدایت کسب و کارهای خود کارآمدتر خواهند بود (Chhatwani et al., 2022).

تاب‌آوری یکی از مفاهیم رایج در حوزه کارآفرینی است که به روشنی توضیح می‌دهد چرا تعداد کمی از کارآفرینان و کسب و کارشان می‌توانند در مقایسه با همتایان خود برتر باشند (Sharma et al., 2021). محققان از آن به‌عنوان یک مؤلفه اصلی که رفتار کارآفرینانه مرتبط با مقابله با ناملایمات، عدم اطمینان یا آشفتگی در محیط کسب و کار، سازگاری با تغییرات و یادگیری از موانع و شکست‌های عمده را تبیین می‌کند، یاد کرده‌اند (Lee & Wang, 2017). زمانی که کارآفرینان بتوانند تاب‌آور باشند، بهتر می‌توانند

## تأثیر توانمندی و تاب‌آوری بر موفقیت کارآفرینانه زنان روستایی منطقه سیستان

با محیط‌های خطرناک اطراف خود مواجه شوند و با چابکی و انعطاف‌پذیری به هر موقعیتی پاسخ دهند (Santoro *et al.*, 2020). تاب‌آوری کارآفرینانه را می‌توان فرآیندی تعریف کرد که یک کارآفرین برای توسعه و به‌کارگیری قابلیت‌ها به منظور انطباق و پاسخ به ناملایمات در نقش کارآفرینانه استفاده می‌کند (Williams *et al.*, 2017). به عبارت دیگر، تاب‌آوری کارآفرینانه توانایی کارآفرین برای رویارویی با محیط خطرناک و پرچالش اطراف خود است (Folkman & Moskowitz, 2000; Tedeschi & Calhoun, 2004). تاب‌آوری می‌تواند به کارآفرین کمک کند تا در برابر شوک‌های داخلی و خارجی مقاومت کند و ممکن است یکی از محرک‌های عملکرد یا موفقیت کارآفرینانه باشد (Fatoki, 2018). کارآفرینان تاب‌آور به علت گرایش درونی که برای جستجوی گزیدارها تحت شرایط نامطلوب دارند و همچنین توانایی مقابله با موقعیت‌های پیچیده و شناسایی راه‌حل‌ها دارند (Renko *et al.*, 2021; Santoro *et al.*, 2021). به دوام و موفقیت کسب و کارهای کوچک بسیار کمک می‌کنند (Hadjielias *et al.*, 2022).

نتایج یک مطالعه طولی نشان می‌دهد که تاب‌آوری کارآفرینانه در زمان‌های سخت حیاتی است و می‌تواند منبعی حیاتی برای رشد و موفقیت کسب و کارها باشد (Ayala & Manzano, 2014). در این رابطه، چندین محقق پیشنهاد کرده‌اند که تاب‌آوری عامل اصلی موفقیت در محیط‌های کارآفرینی است (Ayala & Manzano, 2014; Fisher *et al.*, 2016). محققان دیگر پیشنهاد کرده‌اند که رابطه مثبتی بین تاب‌آوری کارآفرین و عملکرد کارآفرینانه وجود دارد (Hayward *et al.*, 2010; Fisher *et al.*, 2018; Santoro *et al.*, 2020). برای مثال، سانتورو و همکاران (Santoro *et al.*, 2020) در تحقیق خود در میان کارآفرینانی که کسب و کارهای کوچک را اداره می‌کردند، دریافتند که تاب‌آوری کارآفرین با موفقیت کارآفرینانه آن‌ها رابطه مثبتی دارد. فاتوکی (Fatoki, 2018) هم در بین صاحبان کسب و کارهای کوچک در آفریقای جنوبی گزارش داد که رابطه مثبتی بین تاب‌آوری کارآفرین با موفقیت او وجود دارد. فلاح‌تفتی و جباری (۱۴۰۱) در پژوهش خود در بین کارآفرینان صنعت گردشگری استان همدان به این نتیجه رسیدند که شخصیت تاب‌آور کارآفرین بر عملکرد نوآورانه در کسب‌وکار تأثیر مثبت و معناداری دارد.

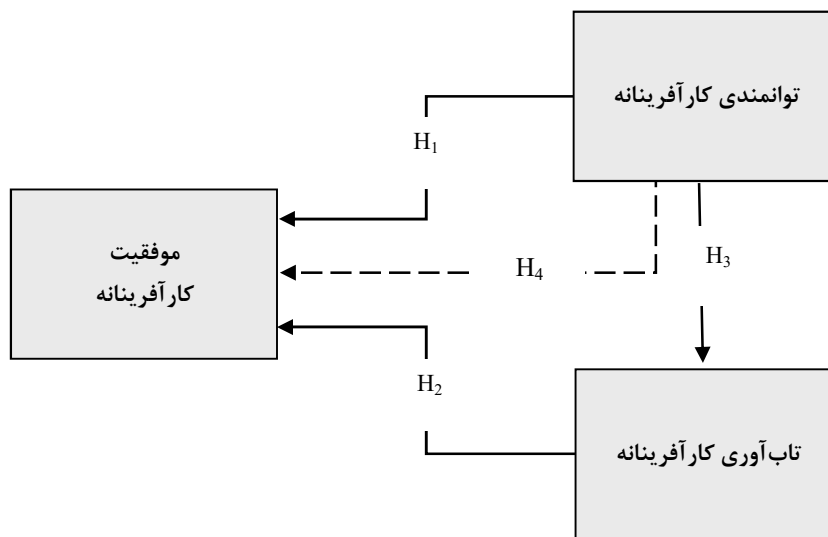
همان‌طور که بیان شد، بر اساس تحقیقات پیشین، توانمندی و تاب‌آوری با بقاء و موفقیت کارآفرینانه رابطه مثبتی دارند. با این وجود، مکانیسم آن‌ها بر اساس ادبیات تحقیق به خوبی درک نشده است. در بعضی تحقیقات رابطه توانمندی و سرمایه روان‌شناختی که تاب‌آوری یکی از مؤلفه‌های آن است، بررسی شده است (Shah *et al.*, 2019; Wang *et al.*, 2021). در همین زمینه، شاه و همکاران (Shah *et al.*, 2019) بیان می‌کنند که ادراک از توانمندی روان‌شناختی می‌تواند شرایط مثبت لازم را برای شکوفایی سرمایه روان‌شناختی ایجاد کند. آن‌ها در تحقیق خود هم به این نتیجه رسیدند که افرادی که از نظر روان‌شناختی توانمند هستند، دارای سرمایه روان‌شناختی بالایی هستند. ابعاد مختلف توانمندسازی روان‌شناختی به توسعه تاب‌آوری، خلاقیت و ابتکار در انجام وظایف شغلی کمک می‌کنند که منجر به عملکرد بالا می‌شود (Thomas & Velthouse, 1990). بادزبان و همکاران (Badzaban *et al.*, 2021) هم در پژوهش خود در استان فارس به این نتیجه رسیدند که تاب‌آوری زنان کارآفرین روستایی تحت تأثیر مؤلفه‌های شایستگی‌های فردی، پذیرش تغییرات مثبت، اعتماد به استعدادها ذاتی خود، کنترل و ایمان می‌باشد؛ بنابراین، می‌توان گفت که افراد با سطوح بالاتر توانمندی به احتمال زیاد تاب‌آوری بیشتری را تجربه می‌کنند که آن هم به نوبه‌ی خود، به‌طور مثبتی بر موفقیت کارآفرینانه تأثیر می‌گذارد.

استان سیستان و بلوچستان در شرق ایران واقع شده است. حدود نیمی از جمعیت این استان در مناطق روستایی زندگی می‌کنند. از نظر نرخ بیکاری و مشارکت اقتصادی در پایین‌ترین رده در کشور قرار می‌گیرد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). منطقه سیستان (میدان پژوهش)، در شمال استان سیستان و بلوچستان واقع شده که حدود ۵۷ درصد جمعیت آن در مناطق روستایی زندگی می‌کنند (این در حالی است که نرخ روستانشینی در کل کشور حدود ۲۶ درصد است). هرچند در سال‌های اخیر اقداماتی برای توسعه کارآفرینی روستایی در این منطقه انجام شده است، اما تحقیقات چندانی در این زمینه انجام نشده است. برای مثال، از مجموع ۱/۵ میلیارد دلار اعتبار از محل صندوق توسعه ملی برای توسعه روستایی و ایجاد اشتغال در نواحی روستایی در شهریور ۱۳۹۷ حدود ۶۰۰ میلیارد تومان سهم استان سیستان و بلوچستان بوده است (شهرکی و سارانی، ۱۳۹۸). یکی دیگر از اقدامات صورت گرفته در زمینه توانمندسازی، کارآفرینی و اشتغال‌زایی زنان روستایی انجام شده، تشکیل صندوق‌های اعتبارات خرد زنان در مناطق روستایی

و عشایری می‌باشد. بر اساس آمار، تاکنون حدود ۱۱۶ صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی در سطح استان با بیش از ۳ هزار و ۷۰۰ نفر عضو تشکیل گردیده که حدود نیمی از آن‌ها در منطقه سیستان قرار دارند. عمده فعالیت‌های زنان روستایی عضو صندوق‌های خرد در بخش‌های دام، طیور، صنایع تبدیلی و غذایی، زنبورعسل و سبزی و صیفی می‌باشد (سازمان جهاد کشاورزی استان سیستان و بلوچستان، ۱۴۰۱). علی‌رغم اقدامات انجام شده، تحقیقات اندکی در زمینه‌ی عوامل مؤثر بر موفقیت این کسب و کارها انجام شده است.

با توجه به آنچه بیان شد، هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر تاب‌آوری و توانمندی کارآفرینانه بر موفقیت کسب و کارهای زنان کارآفرین روستایی در منطقه سیستان است. این پژوهش به ادبیات موجود کمک‌های متعددی می‌کند. نخست، به بررسی بعد روان‌شناختی توانمندی زنان کارآفرین روستایی که کمتر مورد مطالعه قرار گرفته، می‌پردازد. دوم، نقش تاب‌آوری بر موفقیت کارآفرینانه زنان روستایی را بررسی می‌کند. سوم، در ادبیات پژوهش به نقش غیرمستقیم توانمندی بر موفقیت کسب و کارها از طریق متغیرهای میانجی هم کم پرداخته شده است. این پژوهش ضمن پرداختن به این خلأ پژوهشی، نقش میانجی تاب‌آوری در رابطه بین توانمندسازی زنان و موفقیت کارآفرینانه را هم برجسته می‌سازد. بر اساس هدف اصلی پژوهش، مرور ادبیات نظری و تجربی و فرضیات، مدل مفهومی پژوهش در قالب نگاره ۱ ترسیم شد. با توجه به اهداف تعیین‌شده، در این پژوهش فرضیه‌های زیر مدنظر قرار گرفتند:

- فرضیه ۱: توانمندی کارآفرینانه با موفقیت کارآفرینانه‌ی زنان کارآفرین روستایی رابطه مثبت و معنی‌داری دارد.
- فرضیه ۲: تاب‌آوری کارآفرینانه با موفقیت کارآفرینانه‌ی زنان کارآفرین روستایی رابطه مثبت و معنی‌داری دارد.
- فرضیه ۳: توانمندی کارآفرینانه با تاب‌آوری کارآفرینانه‌ی زنان کارآفرین روستایی رابطه مثبت و معنی‌داری دارد.
- فرضیه ۴: توانمندی به‌طور غیرمستقیم از طریق تاب‌آوری با موفقیت کارآفرینانه‌ی زنان کارآفرین روستایی رابطه مثبتی دارد.



نگاره ۱- چارچوب مفهومی پژوهش

### روش پژوهش

پژوهش حاضر، از لحاظ نوع پژوهش‌های کاربردی و از لحاظ پارادایمی، کمی است. همچنین از لحاظ کنترل متغیرها، غیرآزمایشی، از جنبه عملیات آماری، «علی- رابطه‌ای» است. جامعه آماری پژوهش شامل زنان کارآفرین روستایی در منطقه‌ی سیستان واقع در

## تأثیر توانمندی و تاب‌آوری بر موفقیت کارآفرینانه زنان روستایی منطقه سیستان

استان سیستان و بلوچستان در جنوب شرقی کشور بود (N= ۱۵۴۶) که در سال ۱۴۰۰ در چهار بخش صنایع دستی، صنایع تبدیلی، تولیدات زراعی، باغی و دامی و کارهای خدماتی مشغول به فعالیت بودند. یک نمونه ۳۰۰ نفری از زنان کارآفرین به روش نمونه‌گیری غیراحتمالی در دسترس (به دلیل نبودن چارچوب نمونه‌گیری مشخص)، در ۲۹ روستای پنج شهرستان زابل، نیمروز، هامون، زهک و هیرمند در منطقه سیستان انتخاب شدند. داده‌های مطالعه با استفاده از پرسشنامه گردآوری شد، به‌گونه‌ای که تعداد ۳۰۰ پرسشنامه بین زنان کارآفرین توزیع شد که تعداد ۲۶۰ پرسشنامه برگردانده شد. با حذف پرسشنامه‌های ناقص در نهایت ۲۵۰ پرسشنامه مبنای تجزیه و تحلیل‌های آماری قرار گرفتند. رایج‌ترین و سخت‌گیرترین معیار برای تعیین حداقل اندازه نمونه آماری قانون سرانگشتی ۱۰ برابر می‌باشد. مطابق با این قانون اندازه نمونه باید ۱۰ برابر بزرگ‌تر از حداکثر روابط دریافت شده توسط هر سازه باشد (Peng & Lai, 2012; Hair et al., 2017). در پژوهش حاضر سازه‌ای که بیشترین روابط را دریافت کرده، به‌عبارت‌دیگر بیشترین تعداد گویه برای سنجش آن به کار رفته است، توانمندی کارآفرینانه با ۹ گویه می‌باشد که نشان می‌دهد؛ حداقل اندازه نمونه باید ۹۰ نفر باشد. همچنین، ریناتز و همکاران (Rinatz et al., 2009)؛ حداقل حجم نمونه ۱۰۰ را هنگام استفاده از PLS-SEM پیشنهاد کرده‌اند؛ بنابراین، حجم نمونه ۲۵۰ نفر کافی به نظر می‌رسد.

برای سنجش موفقیت کارآفرینانه، با پیروی از مطالعات پیشین (Xie & Wu, 2021)، با استفاده از ارزیابی ذهنی کارآفرین از عملکرد کسب و کار خود در مقایسه با کسب و کارهای دیگر (بعد مالی) و همچنین میزان رضایت وی از کسب و کارش (بعد غیر مالی) اندازه‌گیری شد. به‌گونه‌ای که عملکرد مالی کسب و کار با استفاده از پنج گویه درباره ابعاد مختلف مانند رشد فروش، رشد سودآوری و بازگشت سرمایه مورد ارزیابی قرار گرفت و از پاسخ‌دهندگان خواسته شد تا آن‌ها را با رقبای اصلی خود مقایسه کنند. رضایت کارآفرینانه نیز با سه گویه درباره‌ی رضایت از موقعیت و جایگاه اجتماعی خود، رضایت از کمک فرد به جامعه و روابط خوب با کارکنان و مشتریان و رضایت از کسب و کار اندازه‌گیری شد. همچنین سنجش تاب‌آوری کارآفرینانه، بر مبنای مقیاسی که توسط سینکلر و والستون (Sinclair & Wallston, 2004) تدوین شده، اندازه‌گیری شد. این مقیاس تمایل صاحب کسب و کار را برای مقابله با استرس و فشار به شیوه‌ای بسیار سازگارانه نشان می‌دهد. در نهایت نیز برای سنجش توانمندی کارآفرینانه زنان، مقیاس ۹ ماده‌ای اقتباس شده از مطالعات جونز (Jones, 1986)، هکمن و اولدهام (Hackman & Oldham, 1980) و اشفورث (Ashforth, 1989) مبنای کار قرار گرفت. این مقیاس هر یک از سه بعد توانمندی (یعنی شایستگی، خودتعیین‌گری و تأثیر) را با سه گویه می‌سنجد. همه‌ی گویه‌ها با استفاده از طیف پنج سطحی لیکرت (۱= بسیار مخالف تا ۵= بسیار موافق) سنجیده شدند (جدول ۱). روایی صوری پرسشنامه توسط پانلی پنج نفری از متخصصان ترویج و کارآفرینی روستایی مورد بررسی و تأیید قرار گرفت و برای تأیید پایایی ابزار پژوهش نیز یک مطالعه راهنما با تکمیل ۳۰ پرسشنامه توسط زنان کارآفرین خارج از نمونه صورت گرفت. مقادیر آلفای کرونباخ سازه‌های تحقیق نیز بالای ۰/۷ به دست آمد، از این رو پایایی ابزار تحقیق نیز مورد تأیید قرار گرفت. در نهایت نیز داده‌های گردآوری شده، در بخش توصیفی با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS<sub>win23</sub> و در بخش بررسی مدل و تحلیل فرضیه‌ها با استفاده از SmartPLS<sub>3,2,8</sub> مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

### یافته‌ها و بحث

یافته‌های حاصل از پژوهش نشان داد که میانگین سن پاسخگویان، ۴۱/۶۸ سال می‌باشد. بر مبنای یافته‌های پژوهش ۸۶/۴ درصد از پاسخگویان، متأهل و ۱۳/۶ درصد مجرد بوده‌اند. از مجموع افرادی که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، بیشترین فراوانی مربوط به خانواده‌هایی می‌باشد که تعداد اعضای خانواده‌ی آن‌ها ۲ تا ۴ نفر است و کمترین فراوانی مربوط به خانواده‌هایی با ۷ نفر به بالا جمعیت می‌باشد. از لحاظ تحصیلات، بیشترین فراوانی مربوط به افراد با تحصیلات گروه دیپلم با (۳۲/۸ درصد) و کمترین فراوانی نیز مربوط به افراد بی‌سواد است (۷/۶ درصد). وضعیت میزان کاری در طول هفته در چهار گروه طبقه‌بندی گردید که نتایج حاصل از جدول ۲ نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی مربوط به طبقه‌ای می‌باشد که در گروه کمتر از ۵ ساعت با ۴۰/۴ درصد و کمترین فراوانی در گروه بیش از ۱۵ ساعت با ۸/۴ درصد و میانگین وضعیت میزان کاری افراد ۷/۳۰ ساعت می‌باشد. وضعیت تعداد کارکنان کارگاه پاسخگویان به چهار گروه تقسیم‌بندی شد، بیش‌ترین فراوانی در گروه ۲ تا ۳ نفر با ۳۷/۲ درصد و



کمترین فراوانی در گروه ۴ تا ۵ نفر با ۱۴/۴ درصد می‌باشد. یافته‌های پژوهش همچنین نشان داد که بیش‌ترین فراوانی وضعیت سابقه کار پاس‌خوگان در گروه سابقه ۵ سال به بالا با ۳۸ درصد و کمترین فراوانی در گروه سابقه یک سال با ۱۷/۲ درصد و میانگین وضعیت سابقه کار ۴/۲۲ سال می‌باشد. از نظر وضعیت نوع کسب‌وکار، اکثریت فراوانی کارآفرینان در گروه کسب‌وکار تولیدی با ۷۷/۲ درصد می‌باشند و مابقی در گروه کسب‌وکار خدماتی فعال هستند (جدول ۲).

نتیجه‌ی آزمون همبستگی نشان داد؛ بین موفقیت کارآفرینانه و دیگر متغیرهای پژوهش، یعنی تاب‌آوری و توانمندی کارآفرینانه رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری در سطح یک درصد وجود دارد. به عبارتی، هر چه زنان کارآفرین از تاب‌آوری و توانمندی کارآفرینانه‌ی بالاتری برخوردار باشند، موفقیت کارآفرینانه‌ی آنان افزایش خواهد یافت. افزون بر این، یافته‌ها نشان دادند که تاب‌آوری و توانمندی کارآفرینانه هم با همدیگر همبستگی مثبت و معنی‌داری دارند (جدول ۳).

جدول ۱- متغیرهای پژوهش و گویه‌های آن

متغیر	گویه
موفقیت کارآفرینانه	افزایش سودآوری کسب‌وکار (Success1)
	رشد میزان فروش محصولات (Success2)
	بازگشت سرمایه (Success3)
	افزایش رضایت مشتریان (Success4)
	افزایش تعداد مشتریان (Success5)
رضایت از کسب‌وکار	من اعتبار و موقعیت اجتماعی بالایی دارم و کسب‌وکاری را مدیریت می‌کنم که به سرعت در حال رشد است. (Success6)
	کسب‌وکارم به جامعه کمک می‌کند و روابط خوبی با کارکنان و مشتریان دارم. (Success7)
خودتعیین‌گری	من می‌توانم خودم تصمیم بگیرم که چگونه کارم را انجام دهم. (Em1)
	من استقلال و خودمختاری قابل توجهی در تعیین نحوه انجام کارم دارم. (Em2)
	من فرصت قابل توجهی برای استقلال و آزادی در نحوه انجام کارم دارم. (Em3)
توانمندی کارآفرینانه	من به توانایی خود در انجام کارم اطمینان دارم. (Em4)
	من نسبت به توانایی‌ها و قابلیت‌های خود برای انجام فعالیت‌های کاری خود اطمینان دارم. (Em5)
	من دارای مهارت‌های لازم برای انجام کارم هستم. (Em6)
تأثیر	من بر آنچه در شرکتم اتفاق می‌افتد، تأثیر قابل توجهی دارم. (Em7)
	تأثیر من بر آنچه در شرکت اتفاق می‌افتد، بسیار زیاد است. (Em8)
	من بر آنچه در شرکتم اتفاق می‌افتد، کنترل کامل دارم. (Em10)
تاب‌آوری کارآفرینانه	من به دنبال راه‌های خلاقانه برای حل مشکلات و تغییر و اصلاح موقعیت‌های دشوار هستم. (Res1)
	من فعالانه به دنبال راه‌هایی برای جایگزینی ضررهایی هستم که در زندگی یا کسب‌وکارم با آن مواجه می‌شوم. (Res2)
	سعی می‌کنم برای جبران ضررهایی که در زندگی یا کسب‌وکارم متحمل می‌شوم، راه‌هایی پیدا کنم. (Res3)
	معتقدم که سر و کار داشتن با مشکلات و موقعیت‌های دشوار، باعث رشد و قوی‌تر شدن من می‌شود. (Res4)

## تأثیر توانمندی و تاب‌آوری بر موفقیت کارآفرینانه زنان روستایی منطقه سیستان

جدول ۲- ویژگی‌های فردی زنان کارآفرین مورد مطالعه (تعداد = ۲۵۰ نفر)

متغیر	سطوح تغییر	فراوانی	درصد	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
سن	کمتر از ۲۵ سال	۱۸	۷/۲	۴۱/۶۸	۱۱/۲۹	۲۰	۶۵
	۲۶-۳۵	۴۰	۱۶				
	۳۶-۴۵	۸۵	۳۴				
	۴۶-۵۵	۶۵	۲۶				
	بالتر از ۶۵ سال	۱۲	۴/۸				
وضعیت تأهل	مجرد	۳۴	۱۳/۶	۴/۰۴	۲/۲۴	۱	۱۰
	متأهل	۲۱۶	۸۶/۴				
تعداد اعضای خانواده	یک نفر	۴۴	۱۷/۶	۴/۰۴	۲/۲۴	۱	۱۰
	۲-۴ نفر	۱۰۸	۴۳/۲				
	۵-۷ نفر	۷۱	۲۸/۴				
	۷ نفر به بالا	۲۷	۱۰/۸				
میزان تحصیلات	بی‌سواد	۱۹	۷/۶	۷/۳۰	۵/۳۴	۱	۵۵
	خواندن و نوشتن	۳۵	۱۴				
	سیکل	۶۹	۲۷/۶				
	دیپلم	۸۲	۳۲/۸				
	لیسانس و بالاتر	۴۵	۱۸				
ساعت کاری	کمتر از ۵ ساعت	۱۰۱	۴۰/۴	۷/۳۰	۵/۳۴	۱	۵۵
	۵ تا ۱۰ ساعت	۷۷	۳۰/۸				
	۱۰ تا ۱۵ ساعت	۵۱	۲۰/۴				
	بیش از ۱۵ ساعت	۲۱	۸/۴				
تعداد کارکنان	۱ نفر	۷۸	۳۱/۲	۲/۸۱	۱/۸۳	۱	۷
	۲-۳ نفر	۹۳	۳۷/۲				
	۴-۵ نفر	۳۶	۱۴/۴				
	۵ نفر به بالا	۴۳	۱۷/۲				
سابقه در کسب و کار	یک سال	۴۳	۱۷/۲	۴/۲۲	۲/۱۱	۱	۹
	۲-۳ سال	۵۳	۲۱/۲				
	۴-۵ سال	۵۹	۲۳/۶				
	۵ سال به بالا	۹۵	۳۸				
نوع کسب و کار	تولیدی	۱۹۳	۷۷/۲	۲۲/۸			
	خدماتی	۵۷					

برای تحلیل تأثیر تاب‌آوری و توانمندی بر موفقیت کارآفرینانه زنان کارآفرین روستایی مورد مطالعه از مدل‌سازی معادلات ساختاری بهره گرفته شد. بر این اساس، ابتدا ارزیابی بخش اندازه‌گیری مدل (با هدف بررسی روایی و پایایی متغیرها) و سپس، ارزیابی بخش ساختاری مدل (با هدف تأیید روابط تئوریک بین متغیرهای چارچوب مفهومی) صورت گرفت. همچنین، برازش کلی مدل نیز (به‌منظور ارزیابی سازگاری و توافق کل مدل با داده‌های تجربی) بر اساس شاخص‌های مختلف، بررسی گردید. جهت

بررسی پایایی سازه‌ها از شاخص‌های پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ استفاده شد. همان‌طور که در جدول ۴ نشان می‌دهد، مقدار پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ بالاتر از ارزش پیشنهاد شده ۰/۷ می‌باشد. همچنین برای بررسی روایی همگرا، از شاخص واریانس استخراج شده (AVE) و روایی واگرا از روش فورنل و لارکر (Fornell & Larcker, 1981) استفاده شد. بر اساس نتایج، مقدار AVE برای همه‌ی سازه‌ها بیشتر از ارزش پیشنهاد شده ۰/۵ می‌باشد که بیانگر روایی همگرای مناسب مدل اندازه‌گیری می‌باشد (Hair et al., 2017). بر اساس روش فورنل و لارکر، برای بررسی روایی واگرا، جذر مقادیر AVE با همبستگی سازه‌ها مقایسه می‌شود. همچنین مقدار جذر AVE تمام سازه‌ها (مقادیری که به صورت پررنگ در قطر جدول ۳ داخل پرانتز آورده شده است) از مقدار همبستگی میان آن سازه و سازه‌های دیگر بیشتر است؛ بنابراین، نتایج بیانگر روایی واگرای مناسب مدل اندازه‌گیری هستند.

جدول ۳- میانگین، انحراف معیار و همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	M	SD	۱	۲	۳
۱- تاب‌آوری کارآفرینانه	۴/۵۱	۰/۴۸	(۰/۷۵)		
۲- توانمندی کارآفرینانه	۴/۴۴	۰/۴۴	۰/۶۹**	(۰/۸۷)	
۳- موفقیت کارآفرینانه	۳/۹۲	۰/۷۷	۰/۵۷**	۰/۶۶**	(۰/۷۴)

نکته: مجذور واریانس استخراج شده به صورت پررنگ در قطر جدول داخل پرانتز آورده شده است.

\*\* معنی‌داری در سطح ۰/۰۱

جدول ۴- مقادیر آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی، AVE، R<sup>2</sup> و Q<sup>2</sup> متغیرهای پنهان پژوهش

متغیر	آلفای کرونباخ (α)	پایایی ترکیبی (CR)	AVE	R <sup>2</sup>	Q <sup>2</sup>
تاب‌آوری کارآفرینانه	۰/۷۴	۰/۸۴	۰/۵۶	-	-
توانمندی کارآفرینانه	۰/۸۳	۰/۹۰	۰/۷۵	۰/۵۱	۰/۲۶
موفقیت کارآفرینانه	۰/۸۸	۰/۹۰	۰/۵۴	۰/۵۵	۰/۲۶

مقادیر R<sup>2</sup> در جدول ۴ نشان می‌دهد که مدل قادر است به ترتیب ۵۱ و ۵۵ درصد از واریانس توانمندی و موفقیت کارآفرینانه را تبیین کند. به علاوه نتایج آزمون استون-گیسر ثابت می‌کند که مدل قدرت پیش‌بینی مناسبی دارد؛ زیرا مقادیر Q<sup>2</sup> در همه‌ی متغیرهای پنهان، مثبت است (Hair et al., 2017). برای بررسی برازش مدل کلی از معیار GoF استفاده گردید، مقدار GoF، ۰/۵۶ می‌باشد که بیانگر برازش قوی مدل کلی می‌باشد. نتایج تحلیل بوت استرپینگ (جدول ۵ و نگاره ۲) بیانگر معنی‌دار بودن روابط بین توانمندی و موفقیت کارآفرینانه ( $\beta = 0.52; p < 0.01$ ) و تاب‌آوری و موفقیت کارآفرینانه ( $\beta = 0.27; p < 0.01$ ) می‌باشد، بنابراین توانمندی کارآفرینانه با موفقیت کارآفرینانه‌ی زنان کارآفرین روستایی مورد مطالعه، رابطه مثبت و معنی‌داری دارد (تأیید فرضیه اول) و همچنین تاب‌آوری کارآفرینانه با موفقیت کارآفرینانه‌ی زنان کارآفرین روستایی رابطه مثبت و معنی‌داری دارد (تأیید فرضیه دوم). اندازه‌ی اثر برای فرضیه اول ( $f^2 = 0.29$ ) متوسط و برای فرضیه دوم ( $f^2 = 0.09$ ) کوچک بود. اندازه‌ی اثر بیانگر شدت رابطه میان متغیرهای پژوهش است. هر چه این مقدار بیشتر باشد بیانگر اهمیت آن متغیر مستقل در تبیین متغیر وابسته است؛ بنابراین، در پژوهش حاضر، توانمندی نسبت به تاب‌آوری اهمیت و اثر بیشتری در تبیین موفقیت کارآفرینانه دارد. نتایج همچنین نشان داد که رابطه بین توانمندی و تاب‌آوری ( $\beta = 0.72; p < 0.01$ ) مثبت و معنی‌دار می‌باشد (فرضیه سوم). اندازه‌ی اثر برای این فرضیه در سطح زیاد ( $f^2 = 0.96$ ) می‌باشد. بر اساس نتایج به‌دست آمده، توانمندی علاوه بر رابطه مستقیم با موفقیت کارآفرینانه زنان روستایی، با میانجی‌گری تاب‌آوری، به‌طور غیرمستقیم هم بر این سازه اثر می‌گذارد ( $\beta = 0.19; p < 0.01$ ). همچنین، فاصله اطمینان شامل عدد صفر نمی‌شد، بنابراین، توانمندی به‌طور غیرمستقیم از طریق تاب‌آوری با موفقیت کارآفرینانه‌ی زنان کارآفرین روستایی

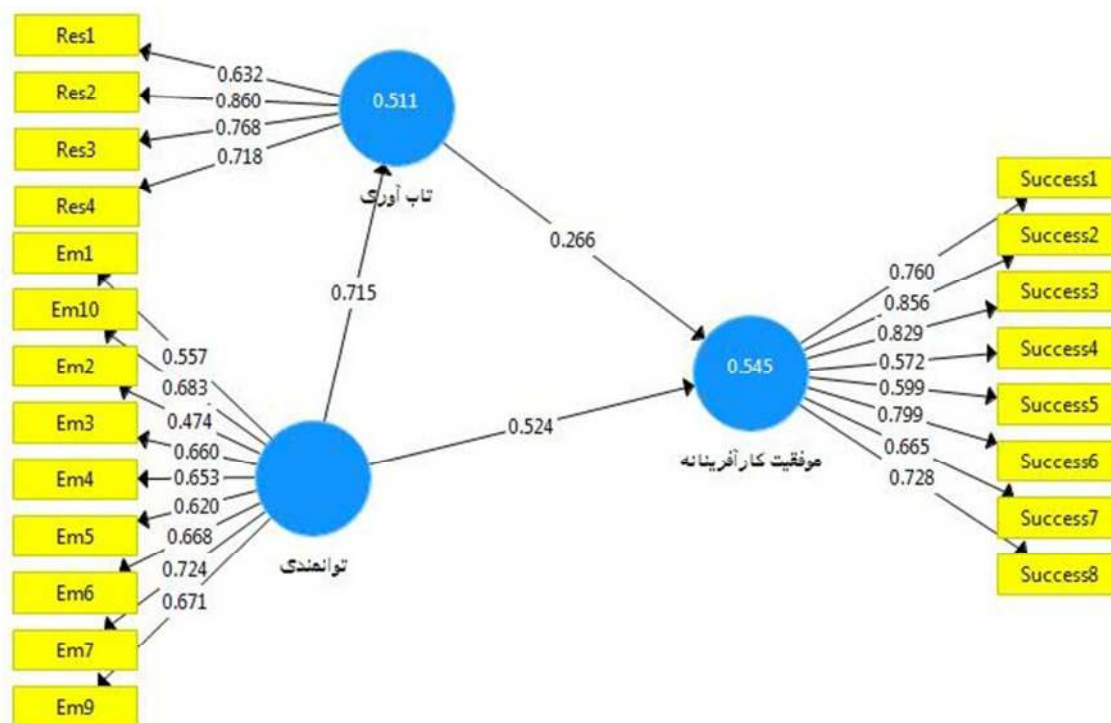
## تأثیر توانمندی و تاب‌آوری بر موفقیت کارآفرینانه زنان روستایی منطقه سیستان

رابطه مثبتی دارد (تأیید فرضیه چهارم). البته با توجه به این که تأثیر مستقیم توانمندی بر موفقیت کارآفرینانه معنی‌دار بود، تأثیر میانجی به صورت جزئی صورت می‌گیرد.

جدول ۵- اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای

مسیر	ضریب مسیر ( $\beta$ )	فاصله اطمینان (CI)	$f^2$	نتیجه آزمون
اثرات مستقیم				
توانمندی کارآفرینانه ← موفقیت کارآفرینانه	۰/۵۲**	۰/۴۲-۰/۶۳	۰/۲۹	فرضیه ۱ حمایت می‌شود
تاب‌آوری کارآفرینانه ← موفقیت کارآفرینانه	۰/۲۷**	۰/۱۵-۰/۳۷	۰/۰۸	فرضیه ۲ حمایت می‌شود
توانمندی کارآفرینانه ← تاب‌آوری کارآفرینانه	۰/۷۲**	۰/۶۵-۰/۷۸	۰/۹۶	فرضیه ۳ حمایت می‌شود
اثرات غیرمستقیم				
توانمندی ← تاب‌آوری ← موفقیت کارآفرینانه	۰/۱۹**	۰/۱۱-۰/۲۷		فرضیه ۴ حمایت می‌شود
اثرات کلی				
توانمندی کارآفرینانه ← موفقیت کارآفرینانه	۰/۷۱**	۰/۶۵-۰/۷۵		

\*\* معنی‌داری در سطح ۰/۰۱



نگاره ۲- مدل ساختاری تأثیر توانمندی و تاب‌آوری بر موفقیت کارآفرینانه زنان کارآفرین

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

موفقیت کارآفرینانه پدیده پیچیده‌ای است که عوامل فردی و زمینه‌ای مختلفی بر آن تأثیر می‌گذارند. به‌طور کلی، در کسب و کارهای کوچک، ویژگی‌های روان‌شناختی صاحبان کسب و کار نقش بسیار مهمی در دوام و موفقیت کسب و کار ایفاء می‌کنند. با این حال، ادبیات موجود به اندازه کافی پیامدهای منابع روان‌شناختی صاحبان کسب و کار را مورد توجه قرار نداده است. هدف این پژوهش بررسی تأثیر دو عامل روان‌شناختی یعنی تاب‌آوری و توانمندی کارآفرینانه بر موفقیت کارآفرینانه زنان کارآفرین روستایی

در منطقه سیستان بود. با توجه به شرایط دشوار و ناپایدار اقتصادی-اجتماعی، به نظر می‌رسد این عوامل روان‌شناختی نقش مهمی در موفقیت کسب و کارهای زنان روستایی ایفاء کنند. نتایج تحقیق حاضر هم این فرض را تأیید می‌کند. نتایج نشان داد که بین توانمندی و موفقیت کارآفرینانه زنان کارآفرین روستایی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد که با نتایج پژوهش دیگران و همکاران (Digan *et al.*, 2019) همخوانی دارد. این نتیجه نشان می‌دهد زنان کارآفرینی که دارای شایستگی در مدیریت کسب و کار، خودتعیین‌گری در تلاش‌های کارآفرینانه و توانایی اثرگذاری بر فعالیت‌های کسب کار هستند، عملکرد و موفقیت کارآفرینانه بالاتری خواهند داشت، زیرا کارآفرینی فرآیندی پرچالش و مخاطره‌آمیز است که نیاز به پشتکار، شایستگی، خوداتکایی، اقتدار و اعتماد به نفس دارد و افراد باید در درک موقعیت‌ها و تعیین مسیر مناسب فعال‌تر عمل کنند. همچنین، بر اساس نتایج بین‌تاب‌آوری و موفقیت کارآفرینانه زنان کارآفرین روستایی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این یافته به معنای آن است که زنان کارآفرین در یک محیط پرتلاطم و دشوار زمانی می‌توانند دوام بیاورند و موفق شوند که بتوانند شوک‌ها را جذب کنند، بهبود یابند و به پیش بروند؛ به عبارت دیگر، تاب‌آوری به کارآفرین کمک می‌کند تا در برابر شوک‌ها و شرایط نامطلوب مقاومت کند و راه‌حلی برای برون‌رفت از شرایط دشوار پیدا کند و این می‌تواند به موفقیت کسب و کارهای کوچک آنان کمک زیادی کند. این نتایج با نتایج تحقیقات پیشین (Fatoki, 2018; Fisher *et al.*, 2018; Santoro *et al.*, 2020) همخوانی دارد و تأیید می‌کند که تاب‌آوری نقش مهمی در بقاء و موفقیت زنان کارآفرین روستایی دارد و به کارآفرین اجازه می‌دهد تا هنگام مواجهه با سختی‌ها، شرایط نامطلوب، متغیر و پیش‌بینی نشده، سازگار شود و اقدامات لازم و مناسب جهت بهبود عملکرد و موفقیت کسب و کار خود انجام دهد.

یکی از نتایج مهم این پژوهش آن بود که سازوکار میانجی تأثیر توانمندی بر موفقیت کارآفرینانه زنان روستایی را نشان داد. تحلیل میانجی نشان داد که تأثیر توانمندی بر موفقیت کارآفرینانه از طریق تاب‌آوری کارآفرینانه به صورت جزئی میانجی‌گری می‌شود. هرچند که این فرضیه در پیشینه تحقیق هنوز مورد بررسی قرار نگرفته‌است، اما دلیل احتمالی این تأثیر می‌تواند آن باشد که توانمندی به زنان کارآفرین کمک می‌کند تا در موقعیت‌های مخاطره‌آمیز و شرایط چالش برانگیز پشتکار و تدبیر نشان داده و راه‌حل مناسب برای برون‌رفت از مشکل را پیدا کنند و به عبارتی تاب‌آوری خود را افزایش دهند که آن هم به نوبه‌ی خود، احتمال موفقیت کارآفرینانه آنان را افزایش می‌دهد.

از دیدگاه تئوریک، پژوهش حاضر به ادبیات موجود در زمینه کارآفرینی زنان روستایی در کشورهای در حال توسعه، کمک می‌کند. به‌طور کلی، کارآفرینان و ویژگی‌های فردی آنان، نقش حیاتی در وجود، بقاء، رشد و موفقیت کسب و کارهای کوچک دارند؛ بنابراین، نقش منابع روان‌شناختی آن‌ها می‌تواند درخور توجه باشد. نتایج به‌دست آمده به شناخت اهمیت نقش توانمندی کارآفرینانه (یا شایستگی درک شده، خودتعیین‌گری و توانایی در مدیریت یک کسب و کار به‌عنوان یک کارآفرین) در موفقیت کارآفرینانه زنان روستایی کمک می‌کند. نتایج همچنین نشان داد که تاب‌آوری می‌تواند بر موفقیت کارآفرینانه زنان روستایی تأثیر معنی‌داری بگذارد. تحقیقات پیشین نشان داده‌اند که تاب‌آوری به کارآفرینان کمک می‌کند تا بر چالش‌ها و دشواری‌های همراه با فرآیند کارآفرینانه غلبه کنند و عملکرد کسب و کار خود را بهبود دهند. پژوهش حاضر این بینش را در زمینه تاب‌آوری زنان روستایی گسترش داد؛ بنابراین، کاربرد تئوریک مهم پژوهش حاضر آن است که سازوکار رابطه‌ی مثبت بین توانمندی و موفقیت کارآفرینانه را شناسایی می‌کند و نشان می‌دهد که زنان روستایی توانمند به علت تاب‌آوری بالا و علی‌رغم شرایط دشوار و نامطلوب اقتصادی-اجتماعی برای بهبود عملکرد و موفقیت کسب و کار خود تلاش می‌کنند.

از دیدگاه کاربردی هم این پژوهش به کارآفرینی زنان روستایی کمک می‌کند. علی‌رغم اینکه زنان نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، اما سهم کوچکی از نیروی کار را تشکیل می‌دهند و درصد کمی از آن‌ها صاحب کسب و کار هستند. در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، محدودیت‌های منابع ناشی از موانع فرهنگی، اجتماعی و نهادی، همراه با ساختارهای سنتی مردسالارانه، مشارکت زنان را در کارآفرینی محدود کرده است. برای تشویق زنان کارآفرین آینده، دولت و مؤسسات مالی شروع به ارائه تسهیلات اعتباری خرد یا وام‌های کوچک و همچنین ارائه کمک‌های فنی و مدیریتی مختلف برای کمک به زنان برای شروع و راه‌اندازی کسب و کار خود کرده‌اند. با این حال، نگرانی‌هایی در مورد تأثیر انواع کسب و کارهای ایجاد شده از طریق این برنامه‌ها وجود داشته

## تأثیر توانمندی و تاب‌آوری بر موفقیت کارآفرینانه زنان روستایی منطقه سیستان

و موانع متعدد دیگری وجود دارد که نیازمند توانمندسازی و تاب‌آوری زنان برای غلبه بر مسائل اجتماعی-فرهنگی، محدودیت‌های بین‌فردی و مسائل خانوادگی است. از این رو، با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر که نشان می‌دهد توانمندسازی و تاب‌آوری زنان با افزایش موفقیت کسب و کار مرتبط است، روشی که سیاست‌گذاران می‌توانند تأثیر اعتبارات خرد و وام‌های اندک را برای تحریک کارآفرینی زنان افزایش دهند، این است که این برنامه‌ها را با طرح‌هایی برای افزایش توانمندسازی و تاب‌آوری کارآفرینانه زنان همراه کنند. این کار می‌تواند شایستگی، خودتعیین‌گری و توانایی زنان در مدیریت یک کسب و کار را بهبود دهد و تاب‌آوری آن‌ها در برابر مشکلات و دشواری‌ها را افزایش دهد. برخی از این طرح‌ها می‌تواند شامل افزایش دانش و دسترسی به آموزش و ترویج، ارائه فرصت‌های یادگیری مبتنی بر تجربه و پیوند زنان کارآفرین با شبکه‌های نهادهای حمایتی و سایر کارآفرینان باشد که هر کدام برای توسعه توانمندسازی در حوزه‌های دیگر پیشنهاد شده‌اند. دست‌اندرکاران و سیاست‌گذاران همچنین می‌توانند مداخلاتی را برای افزایش تاب‌آوری روان‌شناختی طراحی کنند. مثلاً امید دادن و تقویت اعتقادات مذهبی و معنوی مکانیسمی قدرتمند برای افزایش تاب‌آوری روان‌شناختی زنان می‌باشد. در همین رابطه، مطالعه تالاسیس و مک‌آدام (Tlais & McAdam, 2021) نشان می‌دهد که باورهای مذهبی و آموزه‌های اسلامی یک منبع مهم تاب‌آوری در بین زنان کارآفرینی لبنانی می‌باشد. همچنین، برگزاری کلاس‌های آموزشی-ترویجی به منظور بهبود مهارت‌های زنان در زمینه مدیریت استرس، قدرت تصمیم‌گیری، اعتماد به نفس، کنترل احساسات، تفکر مستقل و سازگاری با تغییرات و چاره‌اندیشی برای مشکلات نیز کمک شایانی به بهبود تاب‌آوری و توانمندی زنان روستایی خواهد کرد. تحقق این امور نیازمند برنامه‌ریزی درست و اجرایی سازمان‌های حمایت از زنان روستایی در برگزاری دوره‌های آموزشی و روانشناسی مربوط به رشد فردی زنان است (بادزبان و همکاران، ۱۳۹۹). در نهایت، زنان کارآفرین خود نیز باید علاوه بر سرمایه‌گذاری در منابع شرکت، به سرمایه‌گذاری در توسعه منابع روان‌شناختی (توانمندی و تاب‌آوری) خودشان به منظور بقاء و افزایش موفقیت کسب و کارشان، هم اقدام کنند.

با وجود اهمیت یافته‌ها، پژوهش حاضر دارای محدودیت‌هایی نیز بود. در این پژوهش همه‌ی مقیاس‌های اندازه‌گیری خود-ابراز بودند و تحت تأثیر ذهنیت یک پاسخگو (کارآفرین) قرار داشتند که ممکن است به علت واریانس روش مشترک (Common Method Variance) یا گرایش به دادن پاسخ‌های موافق و یکسان به گویه‌ها، همبستگی بین متغیرهای تحقیق بیش از اندازه واقعی شده باشد. اگرچه در این پژوهش از رویه‌های روش‌شناختی خاص و توصیه‌شده پیروی شد و سوگیری روش مشترک در داده‌های موضوع نگران‌کننده‌ای نبود، پژوهش‌های آتی می‌توانند از روش‌های عینی برای سنجش سازه‌ها به‌ویژه عملکرد و موفقیت کارآفرینانه استفاده کنند. این پژوهش بر دو متغیر فردی یعنی توانمندی و تاب‌آوری کارآفرینانه به‌عنوان پیشایندهای موفقیت کارآفرینانه زنان روستایی تمرکز داشت. پژوهش‌های آینده می‌توانند سایر عوامل شخصیتی و محیطی که می‌توانند موفقیت کارآفرینانه زنان روستایی را ارتقاء دهند را مدنظر قرار دهند و نقش میانجی یا تعدیل‌گر آن‌ها را بررسی کنند. محدودیت بعدی مربوط به تعمیم‌پذیری نتایج تحقیق است. به دلیل اینکه داده‌ها از زنان کارآفرین روستایی در منطقه سیستان گردآوری شد، لذا، نتایج آن قابل تعمیم به همین جامعه است؛ بنابراین، مطالعات آینده باید بر دیگر مناطق روستایی در کشور تمرکز کنند. پژوهش حاضر از نوع مقطعی بود و داده‌ها یکبار در طول زمان گردآوری شد، بنابراین، استفاده از الگویابی معادلات ساختاری علیت را به اثبات نمی‌رساند. پژوهش‌های بعدی می‌توانند با انجام مطالعات طولی یا تجربی فرصت بیشتری را برای بررسی علیت فراهم آورند.

### منابع

- بادزبان، ف.، رضائی مقدم، ک.، و فاطمی، م. (۱۳۹۹). تحلیل میزان تاب‌آوری زنان کارآفرین روستایی با بهره‌گیری از مقیاس کانر - دیویدسون. *فصلنامه سیاست‌نامه علم و فناوری*، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۳۹-۵۰.
- خدری، ک.، یزدان‌پناه، م.، فروزانی، م.، و برادران، م. (۱۳۹۹). تبیین عوامل روانشناختی مؤثر بر توانمندی زنان روستایی (مورد مطالعه: شهرستان لیکک). *مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی/ ایران*، دوره ۵۱، شماره ۲، صص ۳۴۱-۳۲۷.

رنجبرفلاح، م. (۱۳۹۷). شناسایی پیشران‌های مؤثر در توسعه کسب و کارهای بسیار کوچک (میکرو) در بخش مشاغل خانگی روستایی. *فصلنامه تحقیقات بازاریابی نوین*، دوره ۸، شماره ۳، صص ۱۷۹-۲۰۰.

سازمان جهاد کشاورزی استان سیستان و بلوچستان (۱۴۰۱). مدیریت هماهنگی ترویج. قابل دسترسی در آدرس اینترنتی: <https://sbaj.ir>.

شهرکی، ح. و سارانی، و. (۱۳۹۸). توسعه و همزاد شَرش: تحلیل وضعیتی کارآفرینی روستایی در منطقه سیستان. *مجله توسعه محلی (روستائی-شهری)*، دوره ۱۱، شماره ۱، صص ۱۹۶-۱۷۳.

شیری، ن.، خوش‌مرام، م.، رضایی، آ. و زرافشانی، ک. (۱۴۰۰). تأثیر ابعاد توانمندی روانشناختی بر رفتار کارآفرینانه در بین زنان روستایی: الگویی برای ارتقای نقش زنان در توسعه اقتصادی. *مجله زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۹، شماره ۴، صص ۵۹۳-۵۷۳.

طهماسبی، م.، خسروی‌پور، ب.، برادران، م. و غنیان، م. (۱۳۹۹). مؤلفه‌های برساننده فضای کسب و کارهای خرد زنان روستایی؛ مورد مطالعه استان‌های گیلان و مازندران. *مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، دوره ۵۱، شماره ۴، صص ۷۴۴-۷۳۱.

فلاح‌تفتی، ح. و جباری، گ. (۱۴۰۱). تأثیر شخصیت تاب‌آور کارآفرین بر نوآوری در کسب و کار صنعت گردشگری (مورد مطالعه: استان همدان). *فصلنامه گردشگری و توسعه*، دوره ۱۱، شماره ۱، صص ۱۶-۱.

قدیری‌معصوم، م. و احمدی، ا. (۱۳۹۴). سازه‌های مؤثر بر موفقیت صندوق‌های اعتبارات خرد در توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی شهرستان فیروزکوه. *مجله پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، دوره ۴۷، شماره ۴، صص ۷۷۲-۷۵۹.

کاظمی، ر.، یعقوبی، ج. و نعیمی، ا. (۱۳۹۷). تحلیل تأثیر سرمایه اجتماعی بر روی توانمندسازی روان‌شناختی زنان روستایی شهرستان سلماس. *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، دوره ۱۴، شماره ۲، صص ۱۵۹-۱۴۳.

کریمی، ح.، حلاج، ز. و ولی‌زاده، ن. (۱۳۹۷). اثر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر سلامت روان زنان روستایی و عشایری عضو صندوق‌های اعتبارات خرد (مورد مطالعه: استان کرمان). *فصلنامه پژوهش‌های روستایی*، دوره ۹، شماره ۲، صص ۲۲۱-۲۱۰.

کریمی، ح. و عطائی، پ. (۱۴۰۰). پیامدهای به‌کارگیری استراتژی‌های سازگاری کشاورزان سیستان در مقابله با خشکسالی: تاب‌آوری و زیست‌پذیری. *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، دوره ۱۷، شماره ۲، صص ۱۶۴-۱۴۹.

مرکز آمار ایران. (۱۳۹۸). چکیده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار. قابل دسترسی در آدرس اینترنتی: <https://amar.org.ir/gozideamari>.

مشایخی، س.، مرادنژادی، ه.، صی‌محمدی، س. و میرک‌زاده، ع. ا. (۱۴۰۰). بررسی عوامل مؤثر بر فقر اقتصادی زنان سرپرست خانوار روستایی (مورد مطالعه شهرستان کرمانشاه). *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، دوره ۱۷، شماره ۱، صص ۱۳۲-۱۱۹.

منصوری، س. و بقایی، ط. (۱۴۰۰). توسعه مدل فعالیت‌های کارآفرینانه زنان روستایی مبتنی بر دیدگاه صاحب‌نظران آموزشی. *نشریه راهبردهای کارآفرینی در کشاورزی*، دوره ۸، شماره ۱۵، صص ۱۱۰-۱۰۰.

وزارت جهاد کشاورزی. (۱۴۰۱). دفتر توسعه فعالیت‌های کشاورزی زنان روستایی و عشایری. قابل دسترسی در آدرس اینترنتی: <https://rnw.iate.ir/fa-IR/rnw.iate>.

ولی‌زاده، ن. و کریمی، ح. (۱۳۹۷). تحلیل عوامل مؤثر بر نیت کارآفرینی اجتماعی در صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی و عشایری. *نشریه راهبردهای کارآفرینی در کشاورزی*، دوره ۵، شماره ۹، صص ۲۰-۱۰.

Adams, R. (2008). *Empowerment, participation and social work*. New York: Palgrave Macmillan.

Aggarwal, M., and Johal, R. K. (2021). Rural women entrepreneurship: A systematic literature review and beyond. *World Journal of Science, Technology and Sustainable Development*, 18(4), 373-392.

- Ahmad, N. H. (2007). A cross cultural study of entrepreneurial competencies and entrepreneurial success in SMEs in Australia and Malaysia, PhD Dissertation. University of Adelaide, South Australia, Australia.
- Andrea, C. (2016). Women's empowerment: What works. *Journal of International Development*, 28(3), 342-59.
- Ashforth, B. E. (1989). The experience of powerlessness in organizations. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 43(2), 207-242.
- Athota, V. S., Budhwar, P., and Malik, A. (2020). Influence of personality traits and moral values on employee well-being, resilience and performance: A cross-national study. *Applied Psychology*, 69(3), 653-685.
- Ayala, J. C., and Manzano, G. (2014). The resilience of the entrepreneur. Influence on the success of the business. A longitudinal analysis. *Journal of Economic Psychology*, 42, 126-135.
- Badzaban, F., Rezaei-Moghaddam, K., and Fatemi, M. (2021). Analysing the individual entrepreneurial resilience of rural women. *Journal of Global Entrepreneurship Research*, 1-14, DOI: 10.1007/s40497-021-00290-1.
- Bamiatzi, V. S., Jones, S., Mitchelmore., and K. Nikolopoulos. (2015). The role of competencies in shaping the leadership style of female entrepreneurs: The case of North West of England, Yorkshire, and North Wales. *Journal of Small Business Management*, 53(3), 627-644.
- Benz, M., and Frey, B. S. (2008). The value of doing what you like: Evidence from the self-employed in 23 countries. *Journal of Economic Behavior and Organization*, 68(3-4), 445-455.
- Blackmon, B. J., Lee, J., Cochran Jr, D. M., Kar, B., Rehner, T. A., and Baker Jr, A. M. (2017). Adapting to life after Hurricane Katrina and the Deepwater Horizon oil spill: An examination of psychological resilience and depression on the Mississippi Gulf Coast. *Social Work in Public Health*, 32(1), 65-76.
- Buttner, E. H., and Moore, D. P. (1997). Women's organizational exodus to entrepreneurship: Self-reported motivations and correlates with success. *Journal of Small Business Management*, 35, 34-46.
- Cassia, L., De Massis, A., Meoli, M., and Minola, T. (2014). Entrepreneurship research centers around the world: Research orientation, knowledge transfer and performance. *The Journal of Technology Transfer*, 39(3), 376-392.
- Chakraborty, U., and Biswal, S. K. (2022). Psychological empowerment of women entrepreneurs: An ethnographic study on twitter. *Management Research Review*, 45(6), 717-734.
- Chatterjee, N., Das, N., and Srivastava, N. K. (2019). A structural model assessing key factors affecting women's entrepreneurial success: Evidence from India. *Journal of Entrepreneurship in Emerging Economies*, 11(1), 122-151.
- Chhatwani, M., Mishra, S. K., Varma, A., and Rai, H. (2022). Psychological resilience and business survival chances: A study of small firms in the USA during COVID-19. *Journal of Business Research*, 142, 277-286.
- Davidsson, P., and Gordon, S. R. (2016). Much ado about nothing? The surprising persistence of nascent entrepreneurs through macroeconomic crisis. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 40(4), 915-941.
- Dawes, J. (1999). The relationship between subjective and objective company performance measures in market orientation research: Further empirical evidence. *Marketing Bulletin-Department of Marketing Massey University*, 10, 65-75.
- Deci, E. L., and Ryan, R. M. (1987). The support of autonomy and the control of behavior. *Journal of Personality and Social Psychology*, 53(6), 1024-1037.
- Dej, D. (2011). *Entrepreneurs success factors and health*. Dresden: Technical University of Dresden.
- De-Rosa, M., and McElwee, G. (2015). An empirical investigation of the role of rural development policies in stimulating rural entrepreneurship in the Lazio Region of Italy. *Society and Business Review*, 10(1), 4-22.
- Digan, S. P., Sahi, G. K., Mantok, S., and Patel, P. C. (2019). Women's perceived empowerment in entrepreneurial efforts: The role of bricolage and psychological capital. *Journal of Small Business Management*, 57(1), 206-229.
- Doern, R. (2016). Entrepreneurship and crisis management: The experiences of small businesses during the London 2011 riots. *International Small Business Journal*, 34(3), 276-302.
- Elam, A. B., Hughes, K. D., Guerrero, M., Hill, S., Nawangpalupi, C., and Del Mar Fuentes, M. (2021). Global entrepreneurship monitor (GEM) women's entrepreneurship 2020/21 Report: Thriving through crisis. The Global Entrepreneurship Research Association, London Business School, London.
- Fatoki, O. (2018). The impact of entrepreneurial resilience on the success of small and medium enterprises in South Africa. *Sustainability*, 10(7), 2527.
- Fiksel, J., Polyviou, M., Croxton, K. L., and Pettit, T. J. (2015). From risk to resilience: Learning to deal with disruption. *MIT Sloan Management Review*, 56, 79-86.
- Fisher, R., Maritz, A., and Lobo, A. (2016). Does individual resilience influence entrepreneurial success? *Academy of Entrepreneurship Journal*, 22(2), 39-53.
- Fisher, R., Merlot, E., and Johnson-Lester, W. (2018). The obsessive and harmonious nature of entrepreneurial passion. *International Journal of Entrepreneurial Behavior and Research*, 24(1), 22-40.



- Fisher, R., Maritz, A., and Lobo, A. (2014). Evaluating entrepreneurs' perception of success: Development of a measurement scale. *International Journal of Entrepreneurial Behavior and Research*, 20(5), 478-492.
- Folkman, S., and Moskowitz, J. T. (2000). Positive affect and the other side of coping. *American Psychologist*, 55, 647-654.
- Fornell, C., and Larcker, D. F. (1981). Evaluating structural equation models with unobservable variables and measurement error. *Journal of Marketing Research*, 18(1), 39-50.
- Fredrickson, B. L. (1998). Cultivated emotions: Parental socialization of positive emotions and self-conscious emotions. *Psychological Inquiry*, 9(4), 279-281.
- Fredrickson, B. L., and Branigan, C. (2005). Positive emotions broaden the scope of attention and thought-action repertoires. *Cognition and Emotion*, 19(3), 313-332.
- Frese, M., and Gielnik, M. M. (2014). The psychology of entrepreneurship. *Annual Review of Organizational Psychology and Organizational Behavior*, 1(1), 413-438.
- Gatewood, E. J., Shaver, K. G., Powers, J. B., and Gartner, W. B. (2002). Entrepreneurial expectancy, task effort, and performance. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 27(2), 187-206.
- Ghouse, S. M., Durrah, O., and McElwee, G. (2021). Rural women entrepreneurs in Oman: Problems and opportunities. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, 27(7), 1674-1695.
- Ghouse, S., McElwee, G., Meaton, J., and Durrah, O. (2017). Barriers to rural women entrepreneurs in Oman. *International Journal of Entrepreneurial Behavior and Research*, 23(6), 998-1016.
- Gielnik, M., and Frese, M. (2013). Entrepreneurship and poverty reduction: Applying I-O psychology to microbusiness and entrepreneurship in developing countries. In J. Olson Buchanan, L. Koppes Bryan, and L. Foster Thimpson (Eds.), *Using I-O psychology for the greater good: Helping those who help others* (pp. 394-438). New York: Routledge Taylor and Francis.
- Gist, M. E. (1987). Self-efficacy: Implications for organizational behavior and human resource management. *Academy of Management Review*, 12(3), 472-485.
- Gong, Y., Wu, Y., Huang, P., Yan, X., and Luo, Z. (2020). Psychological empowerment and work engagement as mediating roles between trait emotional intelligence and job satisfaction. *Frontiers in Psychology*, 11, 232, doi.org/10.3389/fpsyg.2020.00232.
- Gorgievski, M. J., Moriano, J. A., and Bakker, A. B. (2014). Relating work engagement and workaholism to entrepreneurial performance. *Journal of Managerial Psychology*, 29, 106-121.
- Greenberger, D. B., Strasser, S., Cummings, L. L., and Dunham, R. B. (1989). The impact of personal control on performance and satisfaction. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 43(1), 29-51.
- Hackman, J. R., and Oldham, G. R. (1980). *Work redesign*. Reading, MA: Addison-Wesley.
- Hadjielias, E., Christofi, M., and Tarba, S. (2022). Contextualizing small business resilience during the COVID-19 pandemic: Evidence from small business owner-managers. *Small Business Economics*, 1-30, DOI: 10.1007/s11187-021-00588-0.
- Hair, J. J. F., Sarstedt, M., Ringle, C. M., and Gudergan, S. P. (2017). *Advanced issues in partial least squares structural equation modeling*. Los Angeles: Sage publications.
- Haji, L., Valizadeh, N., and Karimi, H. (2021). The effects of psychological capital and empowerment on entrepreneurial spirit: The case of Naghadeh County, Iran. *International Journal of Finance & Economics*, 27, 290-300.
- Hayward, M. L., Forster, W. R., Sarasvathy, S. D., and Fredrickson, B. L. (2010). Beyond hubris: How highly confident entrepreneurs rebound to venture again. *Journal of Business Venturing*, 25(6), 569-578.
- Henao-Zapata, D., and Peiró, J. M. (2018). The importance of empowerment in entrepreneurship. In *Inside the Mind of the Entrepreneur* (pp. 185-206). Cham: Springer.
- Isen, A. M. (2000). Positive affect and decision making. In M. Lewis, and J. M. Haviland- Jones (Eds.), *Handbook of emotions* (2nd ed., pp. 417-435). New York: Guilford Press
- Jackson, D., Firtko, A., and Edenborough, M. (2007). Personal resilience as a strategy for surviving and thriving in the face of workplace adversity: A literature review. *Journal of Advanced Nursing*, 60(1), 1-9.
- Jones, G. R. (1986). Socialization tactics, self-efficacy and newcomers to organization. *Academy of Management Journal*, 29, 262-279.
- Jones, O., Macpherson, A., and Thorpe, R. (2010). Learning in owner-managed small firms: Mediating artefacts and strategic space. *Entrepreneurship and Regional Development*, 22(7-8), 649-673.
- Karimi, S., and Reisi, S. (2022). Exploring the antecedents and outcomes of entrepreneurial well-being: Empirical evidence from Iranian rural entrepreneurs. *Frontiers in Psychology*, Doi: 10.3389/fpsyg.2022.858230.

- Karimi, S., and Reisi, S. (2023). The satisfaction of psychological needs and entrepreneurial success: The mediating effects of well-being and work engagement (Case study: Nahavand County, Iran). *Journal of Agricultural Science and Technology*, forthcoming.
- King, D. D., Newman, A., and Luthans, F. (2016). Not if, but when we need resilience in the workplace. *Journal of Organizational Behavior*, 37(5), 782-786.
- Kobeissi, N. (2010). Gender factors and female entrepreneurship: International evidence and policy implications. *Journal of International Entrepreneurship*, 8(1), 1-35.
- Laguna, M., and Razmus, W. (2019). When i feel my business succeeds, i flourish: Reciprocal relationships between positive orientation, work engagement, and entrepreneurial success. *Journal of Happiness Studies*, 20(8), 2711-2731.
- Laschinger, H. K. S., Finegan, J., and Shamian, J. (2001). Promoting nurses' health: Effect of empowerment on job strain and work satisfaction. *Nursing Economics*, 19(2), 42-52.
- Lawler, E. E. (1973). *Motivation in work organizations*. Monterey, CA: Brooks/Cole Publishing Co.
- Lee, J., and Wang, J. (2017). Developing entrepreneurial resilience: Implications for human resource development. *European Journal of Training and Development*, 41(6), 519-539.
- Lin, C. C., Kao, Y. T., Chen, Y. L., and Lu, S. C. (2016). Fostering change-oriented behaviors: A broaden-and-build model. *Journal of Business and Psychology*, 31(3), 399-414.
- Mak, W. W., Ng, I. S., and Wong, C. C. (2011). Resilience: Enhancing well-being through the positive cognitive triad. *Journal of Counseling Psychology*, 58(4), 610-617.
- Mathew, V. (2010). Women entrepreneurship in Middle East: Understanding barriers and use of ICT for entrepreneurship development. *International Entrepreneurship Management Journal*, 6(163), 163-181.
- Miller, D., Kets-de-Vries, M. F., and Toulouse, J. M. (1982). Top executive locus of control and its relationship to strategy-making, structure, and environment. *Academy of Management Journal*, 25(2), 237-253.
- Mitchelmore, S., and Rowley, J. (2010). Entrepreneurial competencies: A literature review and development agenda. *International Journal of Entrepreneurial Behavior and Research*, 16(2), 92-111.
- Murphy, G. B., Trailer, J. W., and Hill, R. C. (1996). Measuring performance in entrepreneurship research. *Journal of Business Research*, 19(2), 169-179.
- Nwankwo, C. A., and Kanyangale, M. (2020). Entrepreneurial orientation and survival of small and medium enterprises in Nigeria: An examination of the integrative entrepreneurial marketing model. *International Journal of Entrepreneurship*, 24(2), 1-14.
- O'Brien, J. L. (2010). *Structural empowerment, psychological empowerment and burnout in registered staff nurses working in outpatient dialysis centers*, Ph.D. dissertation, Rutgers University-Graduate School-Newark.
- Osman, M. A., and Tanner, M. (2017). The influence of telecentre components on the psychological empowerment of underserved community members in the Western Cape, South Africa. *The Electronic Journal of Information Systems in Developing Countries*, 81(1), 1-29.
- Patil, P., and Deshpande, Y. (2018). Women entrepreneurship: A road ahead. *International Journal of Economics, Business, and Entrepreneurship*, 1(1), 155-159.
- Peng, D. X., and Lai, F. (2012). Using partial least squares in operations management research: A practical guideline and summary of past research. *Journal of Operations Management*, 30(6), 467-480.
- Perren, L. (1999). Factors in the growth of micro-enterprises (Part 1): Developing a framework. *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 6(4), 366-385.
- Perren, L. (2000). Factors in the growth of micro-enterprises (Part 2): Exploring the implications. *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 7(1), 58-68.
- Prayag, G., Spector, S., Orchiston, C., and Chowdhury, M. (2020). Psychological resilience, organizational resilience and life satisfaction in tourism firms: Insights from the Canterbury earthquakes. *Current Issues in Tourism*, 23(10), 1216-1233.
- Reinartz, W., Haenlein, M., and Henseler, J. (2009). An empirical comparison of the efficacy of covariance-based and variance-based SEM. *International Journal of Research in Marketing*, 26(4), 332-344.
- Renko, M., Bullough, A., and Saeed, S. (2021). How do resilience and self-efficacy relate to entrepreneurial intentions in countries with varying degrees of fragility? A six-country study. *International Small Business Journal*, 39(2), 130-156.
- Robertson, I. T., Cooper, C. L., Sarkar, M., and Curran, T. (2015). Resilience training in the workplace from 2003 to 2014: A systematic review. *Journal of Occupational and Organizational Psychology*, 88(3), 533-562.
- Salisu, I., Hashim, N., Mashi, M. S., and Aliyu, H. G. (2020). Perseverance of effort and consistency of interest for entrepreneurial career success: Does resilience matter? *Journal of Entrepreneurship in Emerging Economies*, 12(2), 279-304.

- Santoro, G., Bertoldi, B., Giachino, C., and Candelo, E. (2020). Exploring the relationship between entrepreneurial resilience and success: The moderating role of stakeholders' engagement. *Journal of Business Research*, 119, 142-150.
- Shah, T. A., Khattak, M. N., Zolin, R., and Shah, S. Z. A. (2019). Psychological empowerment and employee attitudinal outcomes: The pivotal role of psychological capital. *Management Research Review*, 42(7), 797-817.
- Sharma, G. D., Thomas, A., and Paul, J. (2021). Reviving tourism industry post-COVID-19: A resilience-based framework. *Tourism Management Perspectives*, 37, 100786.
- Shepherd, D. A. (2020). COVID 19 and entrepreneurship: Time to pivot? *Journal of Management Studies*, 57(8), 1750-1753.
- Shepherd, D. A., Saade, F. P., and Wincent, J. (2020). How to circumvent adversity? Refugee entrepreneurs' resilience in the face of substantial and persistent adversity. *Journal of Business Venturing*, 35(4), 105940.
- Sinclair, V. G., and Wallston, K. A. (2004). The development and psychometric evaluation of the Brief Resilient Coping Scale. *Assessment*, 11(1), 94-101.
- Singh, S. K., and Singh, A. P. (2019). Interplay of organizational justice, psychological empowerment, organizational citizenship behavior, and job satisfaction in the context of circular economy. *Management Decision*, 57(4), 937-952.
- Spreitzer, G. M. (2008). Taking stock: A review of more than twenty years of research on empowerment at work. *Handbook of organizational behavior*, 1, 54-72.
- Staniewski, M. W., and Awruk, K. (2019). Entrepreneurial success and achievement motivation- A preliminary report on a validation study of the questionnaire of entrepreneurial success. *Journal of Business Research*, 101, 433-440.
- Stromquist, N. P. (2015). Women's empowerment and education: Linking knowledge to transformative action. *European Journal of Education*, 50(3), 307-324.
- Tedeschi, R. G., and Calhoun, L. G. (2004). Posttraumatic growth: Conceptual foundations and empirical evidence. *Psychological Inquiry*, 15, 1-18.
- Thomas, K. W., and Velthouse, B. A. (1990). Cognitive elements of empowerment. *Academy of Management Review*, 15, 666-681.
- Tlairs, H. A., and McAdam, M. (2021). Unexpected lives: The intersection of Islam and Arab women's entrepreneurship. *Journal of Business Ethics*, 171(2), 253-272.
- Tugade, M. M., and Fredrickson, B. L. (2004). Resilient individuals use positive emotions to bounce back from negative emotional experiences. *Journal of Personality and Social Psychology*, 86(2), 320-333.
- Wach, D., Stephan, U., and Gorgievski, M. (2016). More than money: Developing an integrative multi-factorial measure of entrepreneurial success. *International Small Business Journal*, 34(8), 1098-1121.
- Wall, T. D., Michie, J., Patterson, M. and Wood, S. J., Sheehan, M., Clegg, C. W., and West, M. (2004). On the validity of subjective measures of company performance. *Personnel Psychology*, 57(1), 95-118.
- Wang, D., Kan, W., Qin, S., Zhao, C., Sun, Y., Mao, W., ... and Hu, Y. (2021). How authentic leadership impacts on job insecurity: The multiple mediating role of psychological empowerment and psychological capital. *Stress and Health*, 37(1), 60-71.
- Wiklund, J. (1999). The sustainability of the entrepreneurial orientation-performance relationship. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 24(1), 37-48.
- Williams, T. A., Gruber, D. A., Sutcliffe, K. M., Shepherd, D. A., and Zhao, E. Y. (2017). Organizational response to adversity: Fusing crisis management and resilience research. *Academy of Management Annals*, 11(2), 733-769.
- Xie, X., and Wu, Y. (2021). Doing well and doing good: How responsible entrepreneurship shapes female entrepreneurial success. *Journal of Business Ethics*, 178, 803-828.

**Article Type: Research Article**

DOR: 20.1001.1.20081758.1401.18.1.5.8

## **The Effect of Empowerment and Resilience on the Entrepreneurial Success of Rural Women in Sistan Region**

**S. Karimi<sup>1\*</sup>, S. Karimirad<sup>2</sup> and H. Karimi<sup>3</sup>**  
(Received: May. 12. 2022; Accepted: Sep. 05. 2022)

### **Abstract**

Rural women's small businesses make huge contributions to the rural development. However, success and survival of these businesses has been a concern. Hence, it is critical to understand the factors influencing success of rural women's small businesses. The present study examined whether two psychological sources, namely entrepreneurial resilience and empowerment were positively related to the entrepreneurial success of rural women. The statistical population of the study included all rural women entrepreneurs in Sistan region, Iran (N = 1546). Then, 250 people were selected as the sample using a non-probability convenience sampling procedure. The research instrument was a questionnaire, which its face validity was confirmed by a panel of experts and its reliability was confirmed by calculating the Cronbach's alpha coefficient ( $\alpha > 0.74$ ). The results of structural equation modeling showed that entrepreneurial resilience and empowerment were positively and significantly related to the entrepreneurial success of rural women. The results also indicated that empowerment was indirectly related to the entrepreneurial success of rural women through the resilience. Therefore, it is suggested that rural women entrepreneurs' psychological resources, especially resilience and empowerment be strengthened and developed in order to improve the level of their entrepreneurial success.

**Keywords:** Rural development, Rural entrepreneurship, Rural women, Entrepreneurial success, Resilience, Empowerment, Sistan region.

---

<sup>1</sup> Associate professor, Department of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agriculture, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

<sup>2</sup> Former M.Sc. Student, Department of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agriculture, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

<sup>3</sup> Assistant Professor, Department of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agriculture, University of Zabol, Zabol, Iran.

\* Corresponding Author, Email: skarimi@basu.ac.ir

